چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴
شماره ۴۵۴۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

از انتخابات پارلمانی عراق با حدود ۸ هزار نامزد چه می‌دانیم؟

ذرّه‌بین منطقه روی بغداد

علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

فقط یک هفته تا انتخابات مهم عراق باقی مانده و فضای سیاسی و اجتماعی این کشـــور در آستانه برگزاری ششمین دور انتخابات پارلمانی پساصدام، به تلاطم خاصی رســـیده است. انتخابات ۲۰ آبان ۱۴۰۴، با حضور بیش از ۷۹۲۶ نامزد از ۴۱ حزب سیاسی و همچنین ۸۷ نامزد مستقل، رقابتی بی‌ســـابقه و پیچیده را شکل داده که علاوه بر پارلمان، قرار است سرنوشت کابینه آینده عراق را هم تعیین کند و از حیث قرارگیری عراق در یک موقعیت حساس از ژئوپلیتیک منطقه‌ای، توجه ناظران منطقه را به خود جلب کرده اســـت. بغداد به‌عنوان قلب سیاسی عراق و پرجمعیت‌ترین استان، کانون اصلی رقابت‌هاســـت؛ جایی که بیش از دومیلیون و ۳۷۳ هزار نفر واجد شرایط رأی‌دادن هستند و شهرک صدر، با جمعیت حدود دومیلیون و ۵۰۰ هزار نفر، به‌عنوان یکی از نقاط حساس سیاسی، صحنه‌ای خاص از مقابله جریان‌ها و نامزدهای مختلف با جریان صدر و «ســـرایا السلام» به‌عنوان شاخه نظامی آن محسوب می‌شود. درحالی‌که در سایر نقاط بغداد تبلیغات انتخاباتی با شدت بالا جریان دارد، شهرک صدر تابلوهای تبلیغاتی نامزدها را جمع کرده و با تبلیغات معکوس، شـــرکت در انتخابات را تحریم کرده اســـت. انتخابات عراق بر اســـاس نظام پارلمانی و با روش «سانت لیگو تعدیل شـــده» برگزار می‌شود؛ سیستمی که به‌طور نسبی کرسی‌ها را میان احزاب بزرگ و کوچک تقســـیم می‌کند. از مجموع ۳۲۹ کرسی پارلمان، شـــیعیان حدود ۱۷۵ تا ۲۰۰ کرسی اکثریت را در اختیار دارند، اهل‌سنت بین ۷۱ تا ۹۵ کرســـی و اقلیت‌های مذهبی و قومی، شـــامل مسیحیان، ایزدی‌ها، شـــبَک‌ها، صابئان مندایی و کردهای فیلی، سهمیه مشخصی دارند. علاوه بر این، ۲۵ درصد کرسی‌های مجلس در اختیار زنان است. با این حساب حداقل ۸۲ کرسی به بانوان عراقی اختصاص‌یافته و حضور سیاسی آن‌ها در پارلمان را تضمین می‌کند. یکی از عواملی که اهمیت این انتخابـــات را دوچندان می‌کند، تلاش آمریکا و هم‌پیمانانش برای دخالت در امور داخلی عراق اســـت. ترامپ به‌تازگی فرستاده ویژه‌اش را که هیچ ســـابقه دیپلماتیکی ندارد، بدون هماهنگی با دولت عراق روانه این کشور کرد. با توجه به ســـوابق مداخلاتی ایالات متحده در کشـــورهای منطقه، این ســـفر شائبه‌هایی را در آســـتانه انتخابات پارلمانی برانگیخته است. «فرهیختگان» درباره انتخابات عراق، با محدثه رضایی، کارشناس مسائل عراق گفت‌وگو کرده اســـت. او در این گفت‌وگو ابراز کرد آرایش سیاسی عراق میان ســـه بیت شیعه، ســـنی و کردی تقسیم شده و درون بیت شیعه نیز رقابت اصلی میان ائتلاف‌های نوری المالکی و محمد شـــیاع سودانی جریان دارد. او تأکید کرد مقتدی صدر نیز بخش مســـتقلی از بیت شیعه را تشـــکیل داده و با تحریم انتخابات، خود را از دو جریان دیگر جدا کرده است. رضایی دخالت‌های آمریکا در انتخابات عراق را گسترده دانست و گفت واشنگتن با فشارهای اقتصادی، از جمله جلوگیری از صادرات گاز و برق ایران به عراق، در پی کاهش روابط با تهران است. وی معتقد است گزینه مطلوب برای ایران، حفظ وحدت و تداوم ائتلاف داخلی اســـت و از فـــرد یا حزب خاصی حمایت نمی‌کند. در ادامه متن کامل گفت‌وگو با وی را از نظر می‌گذرانید.

آرایش کلی قدرت در عراق

رضایی با اشـــاره به اینکه مثل همیشه سه بیت اصلی در انتخابات حضور دارند گفت: «بیت شـــیعه، بیت ســـنی و بیت کردی. هریک از این‌ها نیز درون خود دارای مناسبات، تضادها و درگیری‌های قابل‌توجهی هستند. در بیت شـــیعه، گروه‌هایی وجود دارند که به‌اصطلاح در چهارچوب «الاطار التنسیقی» یا همان چهارچوب هماهنگی شیعه فعالیت می‌کنند. این احزاب از بطن دین و ساختار سیاســـی شیعه برخاسته‌اند و همواره در عرصه‌های حکومتی عراق حضور داشته‌اند؛ در این دوره نیز فعالند. در مقابل گروه‌هایی وجود دارند که با رویکرد این احزاب مخالفند و نوعی جریان شـــیعه لیبرال و نزدیک به ایالات متحده محســـوب می‌شوند. هر دو جریان در انتخابات اخیر حضور داشته و شرکت کرده‌اند. در میان گروه‌های داخلی چهارچوب هماهنگی، چند حزب اصلی وجود دارد: نخست، «سازمان بدر» که اکنون با عنوان عراق مقتدر شـــناخته می‌شود، به رهبری «هادی العامری.» حزب برای نخســـتین‌بار به‌صورت مستقل در انتخابات شرکت کرده است. گروه بعدی، «جنبش صادقون» اســـت که وابسته به «عصائب اهل الحق» بوده و فهرســـت مستقلی ارائه داده است. گروه بعدی، «ائتلاف دولت قانون» به رهبری «نوری المالکی» است که با قدرت وارد انتخابات شده است. پس از آن، «ائتلاف قوی‌الدوله» (که به‌صورت نوشتاری «قوی‌دوله» و به‌صورت تلفظی «قوه‌الدوله» خوانده می‌شود) به رهبری «عمار حکیم» قرار دارد که آن‌ها نیز در انتخابات حضور یافته‌اند. گروه دیگر، ائتلاف متعلق به «محمد شیاع السودانی» است که موقعیتی میان گروهی دارد؛ نه می‌توان آن را کاملاً در چهارچوب هماهنگی دانســـت و نه خارج از آن. این ائتلاف متشکل از چهره‌هایی اســـت که برخی جریان‌های لیبرال و برخی نیز وابسته به محور مقاومت هستند. نام ائتلاف او «عمار تنمیه» است که از واژه‌های توسعه و سازندگی گرفته شده است. این گروه‌ها و جریان‌های فرعی پیش از انتخابات با یکدیگر ائتلاف کرده و در روز رأی‌گیری وارد میدان شدند. در بیت سنی نیز ســـه حزب اصلی وجود دارد؛ «تقدم» به رهبری «محمد الحلبوسی»، «سیاده» به رهبری «خمیس الخنجر» و «عدل» به رهبری «مثنی السامرائی». این سه حزب رقابت‌های قابل‌توجهی با یکدیگر دارند و درگیری‌های سیاسی میان آن‌ها نیز کم نیست. اضافه بر این، حزبی دیگر به نام حزب «حزم» به رهبری ثابت العباسی (وزیر دفاع کنونی عراق) وجود دارد که از نظر وزانت سیاســـی و جایگاه، اهمیت قابل‌توجهی دارد. در بیت کردی نیز وضعیت تقریباً مشابه دوره‌های پیشین است. دو حزب اصلی یعنی حزب دموکرات کردســـتان و حزب اتحادیه میهنی کردستان حضور دارند و در کنار آن‌ها، جریان نسل جدید که به عربی «جیل جدید» نامیده می‌شود، فعالیت دارد. مقتدی صدر را نیز می‌توان نوعی بخش ســـوم از بیت شیعه دانست، یعنی نه با جریان‌های اثنی‌عشری همراه است و نه با سایر گروه‌ها. همان‌طور که می‌دانیـــد، او انتخابات را تحریم کرده و کل این بدنه و افرادی را که از بیت شـــیعه هستند، گروه‌های مختلف و احزاب دیگر را فاسد می‌داند. هر روز که می‌گذرد نیز بر مواضع خود بیشـــتر تأکید می‌کند و تمایلی به شرکت در انتخابات ندارد. می‌دانید که این جریان بدنه اجتماعی گسترده‌ای هم دارد و طرف‌دارانش قاطعانه از مواضع رهبرشان حمایت می‌کنند.»

دوئل سودانی و مالکی

به‌صورت کلی روشن است که «شیعیان» رأی خواهند آورد، اما اینکه کدام جریان از میان آن‌ها دســـت بالا را خواهد داشت، جای سؤال است، زیرا اکنون بین «ائتـــلاف دولت قانون» به رهبری «نوری المالکی» و «ائتلاف محمد شیاع السودانی» رقابت شدیدی وجود دارد. این دو جریان به‌شدت با یکدیگر درگیرند و فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی میان آن‌ها بسیار تنش‌آلود اســـت. در نتیجه می‌توان گفت احتمال دارد یکی از این دو حزب یا ائتلاف بتواند کرســـی‌های بیشتری را به دست آورد؛ اما باید توجه داشت که ســـاختار انتخاباتی عراق به چه صورت اســـت. ما یک روز رأی‌گیری عمومی داریم که مردم در آن نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند، سپس در «پارلمان عراق»، احزاب، جریان‌ها و گروه‌هایی که موفق به کســـب کرسی شده‌اند، گرد هم می‌آیند و «بزرگ‌ترین فراکسیون» را تشکیل می‌دهند. این بزرگ‌ترین فراکســـیون است که «نخست‌وزیر» را انتخاب می‌کند، بنابراین تعیین نخست‌وزیر منوط به شکل‌گیری همین ائتلاف‌ها و فراکسیون‌هاست؛ فرایندی که بسیار طولانی و همراه با زدوبندهای سیاسی متعدد است و گاه چالش‌های جدی‌ای را حتی در فضای انتخاباتی ایجاد می‌کند؛ همان‌گونه که در دوره‌های پیشـــین نیز مشاهده شده است؛ اما اینکه بخواهیم اکنون به طور دقیق بگوییم وضعیت کرسی‌ها چگونه خواهد بود، سخت است؛ زیرا تحولات سیاســـی در عراق همیشه لحظه‌ای و پیش‌بینی‌ناپذیر بوده است، درنتیجه ارائه پیش‌بینی قطعی در این مرحله ممکن نیست.»

دخالت آمریکا و موازنهٔ ایران

این کارشـــناس مسائل عراق در ادامه توضیح داد فشارهای ایالات متحده علیه عراق افزایش‌یافته و آمریکایی‌ها به‌دنبال آن هســـتند که رابطه ایران و عراق را به حداقل ممکن یا حتی به صفر برســـانند. وی تأکید کرد: «آنان نمی‌خواهند ایران هیچ‌جایگاهی در معادلات عراق داشـــته باشد، به‌ویژه پس از عملیات «طوفان الاقصی» و دیگر تحولات اخیر. ما بارها شـــاهد بوده‌ایم که آمریکا چگونه فشار وارد می‌کند، به‌عنوان‌مثال موضوع صادرات برق؛ معافیت مربوط به آن تمدید نشده و ممنوعیت ادامه یافته است. اکنون نیز بحث مطرح شـــده که ایران نباید گاز به عراق صادر کند و به‌این‌ترتیب، عراق تحت‌فشار قرار گرفته است. این در حالی است که دولت جو بایدن تا سال ۲۰۲۸ به عراق فرصت داده بود تا تولید انرژی داخلی خود را افزایش دهد. البته همین مســـئله نیز قابل‌بحث است، زیرا می‌بینیم دولت عراق در سال ۲۰۲۳ با ترکمنستان برای واردات گاز توافق کرد، اما چون این قرارداد سوآپ گازی به نفع ایران بود، آمریکایی‌ها حدود یک ماه پیش اجازه اجرای آن را ندادند و با اعمال فشار، دولت عراق را وادار کردند که قرارداد را تعلیق کند. همچنین، دولت دونالد ترامپ، حتی به تصمیمات و مهلت‌های دولت پیشـــین هم اهمیتی نداد و از همان سال ۲۰۲۵، موضوع تحریم برق ایران را عملـــی کرد و معافیت‌های قبلی را تمدید نکرد. در نتیجه فشـــارها علیه عراق و ایران افزایش یافت. نمونه دیگر، فشـــار بر گروه‌های مقاومت است که دولت عراق را در تنگنا قرار داد. به‌ویژه در بحبوحه جنگ اســـرائیل، دو لایحه مربوط به «سازمان حشدالشعبی» که قرار بود در زمینه‌های امنیتی، نظامی، قانونی، بازنشستگی و بیمه، تغییراتی ایجاد و این سازمان را تثبیت و قدرتمندتر کند، تحت‌فشار آمریکا از دستور کار پارلمان خارج شد. این فشارها همچنان ادامه دارد.»

نماینده آمریکا در عراق چه می‌کند

در همین راســـتا آمریکا «مایک ســـاوایا» را به‌عنوان نماینده ویژه به عراق فرســـتاده؛ شخصی که آشکارا اعلام می‌کند هدف از حضورش کاستن از روابط تهران - بغداد اســـت. این فرد هیچ‌سابقه دیپلماتیکی ندارد. او بدون هماهنگی با دولت عراق و بدون رعایت اصول و تشـــریفات دیپلماتیک، نه به‌عنوان ســـفیر، بلکه به‌عنوان نماینده ویژه از سوی سفارت آمریکا معرفی شـــد، درحالی‌که بغداد مدت‌هاست فاقد سفیر آمریکایی است. در حوزه انتخابات نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. آمریکا نمی‌خواهد در انتخابات عراق، فرد یا جریانی به قدرت برســـد که بر خلاف سیاست‌های موردنظر واشـــنگتن عمل کند. آنان به دنبال فردی هستند که هم‌راستا با سیاست‌های ضدایرانی آن‌ها حرکت کند و در واقع می‌خواهند عراق را متعهد ســـازند که در سیاست خارجی خود بازنگری کند. آمریکا به طور غیرمستقیم می‌گوید روابطش با عراق مانند گذشـــته نخواهد بود و موازنه میان ایران و آمریکا در عـــراق دیگر برقرار نخواهد ماند. از این منظر نتیجه انتخابات برای آمریکا اهمیت زیادی دارد، زیرا تحقق اهدافش در گروی تشـــکیل دولتی است که حاضر باشد در برابر این فشارها کوتاه بیاید و همکاری لازم را با واشنگتن داشته باشد. تاکنون نیز در دولت کنونی عراق، در بسیاری از مسائل، دیدگاه و خواسته آمریکایی‌ها بر تصمیم نهایی غلبه کرده است.»

وضعیت مطلوب برای ایران؟

رضایی در بخش پایانی اشـــاره می‌کند در مقابل فشارهای تحمیلی آمریکا علیه عراق، نتیجه ایدئال برای ایران حفظ وحدت و ائتلاف در عراق است. او در این باره گفت: «ایران در انتخابات به دنبال فرایند است نه نتیجه، یعنی برایش مهم اســـت روندی شکل گیرد که کلیت جریان شیعه در عراق همان چهارچوب هماهنگی و ائتلاف حفظ شود، اجماع درون آن پایدار بماند و نخست‌وزیر نیز توسط همین مجموعه انتخاب گردد. حتی اگر نخست‌وزیر فعلی در سمت خود باقی بماند، مطلوب ایران آن است که این امر با نظر و اجماع همین ائتلاف شـــیعی صورت گیرد و هیچ‌نیروی خارجی نتواند این انسجام و اجماع را در فضای سیاسی عراق بر هم بزند. ایران به دنبال همین اصل است، نه حمایت از فرد یا نتیجه‌ای خاص.»

پلتفرم عربی - عبری در سودان در حال جنایت است

در غزهٔ آفریقا چه خبر است؟

ســـودان پس از سقوط حکومت ۳۰ساله عمرالبشیر از طریق کودتای ارتش و اردوکشـــی خیابانی زنان فمینیســـت قرار بود دموکراسی را تجربه کند. اکنون اما همه حق رأیی که برای مردم ســـودان به رسمیت شـــناخته می‌شود، انتخاب نحوه مرگ است. براندازی به‌دلخواه غرب و با شـــعارهای آزادی سیاسی، برای سودان چندپارگی، هرج‌ومرج و کشـــتار دسته‌جمعی به ارمغان آورد و از شعارهای دموکراسی برای آن مردم مرگ آفریده شـــد. به نظر می‌رسد برای فهم آنکه دولت خارجی برای ملتی دیگر دل نمی‌سوزاند، زمان برای مردم سودان خیلی دیر شده باشد. در سودان چه خبر است؟ خلاصه‌اش این است که برای بسیاری از مردم در مناطق محاصره شـــده، راهی جز مردن نیست؛ چه با گلوله و اعدام‌های جمعی غیرقضایی، چه با گرســـنگی، چه یا بیماری‌هایی که راهی برای درمان ندارند و چه انواع شـــکنجه‌های دیگر؛ درهرحال انتهای مسیر مرگ است. مرگی گروهی، کشتار دسته‌جمعی، قتل‌عام غیرنظامیان غیرمسلح.

وســـایل ارتباطی در مناطق مورد محاصره قطع است و به همین دلیل تصاویر چندانی از آنجا مخابره نمی‌شـــود. اما کســـانی که به نحوی توانســـته‌اند بگریزند، با کلام خود تصاویری را توصیف می‌کنند که برای بیان توحشـــی که در آنجا در جریان است، کفایت می‌کند. یکی از کســـانی که از شهر فاشر ســـودان فرار کرده است، در گفت‌وگو با خبرنگار العربی الجدید می‌گوید که: «مردم در شـــهر الفاشر با انواع شکنجه، گرسنگی، ظلم و کشتار مواجهند. تروریست‌ها حتی دام‌ها و گوسفندان را هم کشتند، درختان را سوزاندند و هر آنچه را مردم داشتند، نابود کردند و مانع از خروج آن‌ها از شهر می‌شوند.»

تروریست‌های خائن

تروریســـت‌ها چه کسانی هستند؟ شـــبه‌نظامیان مسلحی موسوم به نیروهای واکنش سریع هستند که تحت حمایت سیاسی و مالی دولت امارات قرار دارند. آن‌ها پیش‌ازاین توسط دولت سودان اداره می‌شدند و به‌رسمیت‌شناختن آن‌ها و قدرت‌گرفتن بیشترشان در زمان عمر البشیر اتفاق افتاد، اما در جریان کودتای ارتش علیه البشیر، آن‌ها چنان ماری در آســـتین علیه عمر البشیر با ارتش متحد شدند. در جریان تنش‌های داخلی یمن هم آن‌ها در مقابل انصارالله یمن و در حمایت از نیروهای طرف‌دار منصور هادی نقش‌آفرینی کردند.

توحش و خیانت را می‌توان دو خوی اصلی این گروه دانســـت. نه به البشـــیر وفادار ماندند و نه به مردم سودان و نه به همان ارتشی که برای کودتا با آن همراه شـــده بودند. این‌گونه آنان فقط می‌کشـــند و پیش می‌روند. جدال بر سر قدرتی که پس از کودتا به دست نظامیان افتاده بود، ســـودان را از یک ثبات نسبی به جنگی داخلی رساند که ثمره آن مرگ صدها انســـان غیرمسلح و بی‌گناه است. دلیل اصلی اختلاف و جدال کودتاچیان آن بود که چه کســـی باید کشور را اداره کند. الفاشر مرکز اســـتان دارفور شمالی در غرب سودان پس از ۱۸ ماه محاصره از سوی شـــبه‌نظامیان مسلح، روز یکشنبه سقوط کرد و این سقوط آغاز رقم‌خوردن جنایت جنگی در این شـــهر شـــد. در طول محاصره هم وضعیت این شهر بحرانی بود و نهادهای بین‌المللی و دولت‌های غربی ۱۸ ماه فرصت داشـــتند تا این محاصره را بشکنند تا کار به نسل‌کشی نینجامد، اما کسی کاری نکرد. یورونیوز به نقل از گزارش‌های حقوق بشـــری می‌نویسد که: «در طول محاصره بیش از ۱/۲ میلیون نفر در شـــهر ناچار به خوردن علوفه حیوانی برای زنده‌ماندن بودند. این در شـــرایطی بود که نیروهای پشتیبانی ســـریع با ایجاد موانعی به طول ۵۶ کیلومتر، مســـیرهای ورود غذا و دارو را بسته و راه‌های فرار را نیز مسدود کرده بودند.»

پای امارات در میان است؟

گزارش‌هایی وجود دارد که نقش امارات را در تشـــدید خشونت‌ها در سودان تأیید می‌کند. انگیزه مذهبی اماراتی‌ها تقابل با جریان مذهبی اخوانی‌ها در سودان است، اما به نظر می‌رسد همه ماجرا این نیست. جعفر قناد باشـــی، کارشناس مســـائل آفریقا ضمن تأیید این انگیزه مذهبی، معتقد اســـت که «اماراتی‌ها ۱۴ ســـال پیش هم وارد مسئله لیبی شـــدند و به‌عنوان جانشین غرب، مقاصد نفتی را دنبال کردند و اجازه تشـــکیل یک دولت مشخص را ندادند. در سودان نیز به همین شـــکل است.» در این مسیر، امارات می‌تواند هدف اروپا و آمریکا و اســـرائیل را هم در سودان محقق کند و آن عدم شکل‌گیری یک دولت مذهبی و به طور خاص عدم قدرت‌گرفتن اخوانی‌هاست.

علاوه بر این، ســـودان علی‌رغم دارابودن معادن طلا هیچ‌گاه به‌عنوان صادرکننده طلا مطرح نبوده اســـت، درحالی‌که «در سه سال اخیر و با شـــکل‌گیری جنگ، نام سودان به‌عنوان یکی از صادرکنندگان طلا مطرح شـــد و نکته عجیب این اســـت که در حال حاضر سودان جزو سه کشور اصلی صادرکننده طلاست! این قاچاق گسترده توسط گروه پشتیبانی سریع که مرتبط با امارات است، انجام می‌شود.» لذا هدف اقتصادی هم در این جنگ‌ها بســـیار پررنگ است، گرچه آغاز ماجرا شعار دموکراسی و آزادی برای مردم بود. فروش تسلیحات نظامی هم بخشـــی از این هدف اقتصادی از دخالت امارات در سودان را تشکیل می‌دهد. نقش امارات در جنگ داخلی ســـودان ثابت‌شده محسوب می‌شود، اما نباید از این نکته عبور کرد که امارات بیش از آنکه نقشی مستقل در سودان داشته باشد، نیرویی تحت فرماندهی غرب است و اهداف مشترک را پیش می‌برد.

چه خبر از آزادی‌خواهان؟

غرب ســـودان همچون غزه در مســـیر تحقق منافع غرب می‌سوزد و دموکراسی وعده‌داده‌شده به سودان، به توحشی عریان ختم شده است. لیدرهای اردوکشی خیابانی در سودان هم اکنون مدت‌هاست در سودان نیستند و در کشورهای اروپایی، آسوده زندگی خویش را می‌گذرانند. با شعار توســـعه سیاسی و آزادی به خیابان آمدند، کشور را به آشوب کشیدند و بعد به خانه‌های غربی خود بازگشتند.